جام جم
رسانه
MEDIA
۷
دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۳ شماره ۶۷۳۷

تولید آثار فاخر با موضوع سابقه مبارزات انقلابی و تاریخی

نخستین نشست شورای مدیران معاونت امور استان‌ها در سال جدید با حضور معاون امور استان‌ها و اعضای شورای مدیران ستاد معاونت برگزار شد و مدیران کل صداوسیمای استان‌ها به همراه اعضای شورای معاونان حوزه پیام، جلسه را از طریق رایان نشست (ویدئوکنفرانس) همراهی کردند.
استفاده بهینه و مناسب از دستگاه‌های HD واحد سیار، SNG و... جهت برقراری ارتباط‌های مستقیم برای مراسم عید سعید فطر و برنامه‌ریزی به‌منظور استفاده از بستر فیبر نوری تا عید سعید فطر، عملیاتی‌کردن بودجه بر مبنای سند تحول رسانه‌ملی و متعادل‌سازی نیازهای استان‌ها با بودجه‌های اعلامی و تعدیل معقولانه این نیازها در حوزه بودجه، اهتمام و اقدام برای تولید برنامه‌ها، سریال‌ها، تله‌فیلم‌ها و پیگیری برنامه‌های فاخر در دست اقدام هم از مواردی بود که حسن عابدینی، معاون امور استان‌ها به آن پرداخت.
عابدینی در ادامه از دبیقی، مدیرکل صداوسیمای خوزستان نیز خواست برای تهیه سریالی با موضوع سابقه مبارزه مردم غیور جنوب ایران با استعمار انگلیس اقدام کند.
وی همچنین خواستار تهیه آثار تولیدی و فاخر با موضوع مبارزات انقلابی و تاریخی در شبکه‌های استانی آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و سیستان‌وبلوچستان شد.

در گفت‌وگوی «جام جم» با حسن وارسته، طراح و سرپرست نویسندگان سریال روی آنتن شبکه ۲ عنوان شد

خط‌شکنی رستگاری

سپیده اشرفی
گروه رسانه

نام حسن وارسته با پایتخت و بچه مهندس گره خورده است. او حالا در قامت طراح و سرپرست نویسندگان سریال رستگاری ظاهر شده تا ژانر دیگری را به تجربیات خود بیفزاید. وارسته در سریال رستگاری در ژانری تازه توانسته مثل آثار دیگری که در کارنامه خود دارد، آن را به شکل مستند و دقیق بنویسد. این نویسنده در گفت‌وگوی خود با جام‌جم از تجربه‌گرایی خودش می‌گوید و تاکید می‌کند که سواد و دانش خود را از همین تجربه کردن به دست می‌آورد. او معتقد است که رستگاری توانسته خط‌شکنی کند و از این نظر کار موفقی بوده است. در مطلب پیش‌رو، فراز و فرود پذیرفتن کار تا نهایی کردن نگارش را با طراح و سرپرست نویسندگان سریال رستگاری مرور کرده‌ایم.

یکی از پرسش‌هایی که با دیدن نام شما در تیتراژ سریال رستگاری مطرح می‌شود، این است که پیش از این بیشتر در حوزه کمدی کار کرده بودید و کارهایی مثل پایتخت و علی البدل بسیار در خاطر مخاطبان مانده بود. از این بگویید که چه شد به سمت یک ژانر متفاوت رفتید و در واقع چه چیزی باعث شد نگارش این سریال ماورایی را که قدری هم به ژانر وحشت تنه می‌زند، بپذیرید؟

آقای ده‌نمکی خیلی وقت بود که می‌خواست همکاری مشترکی داشته باشیم. ابتدا پیشنهاد سریال طیب را به من دادند. بیوگرافی نویسی کار سختی است و خودم هم در نظر داشتم تجربه‌ای نوداشته باشم چون اهل کشف و شهود هستم و مطالعات و سوادم را از این راه کامل می‌کنم. به همین دلیل آقای ده‌نمکی پیشنهاد دیگری داد و گفت می‌خواهم کاری تولید کنم که شبیه سیاحت غرب باشد. همین برای من وسوسه‌کننده بود. خودم طی چند سال ماجراهای عجیبی را گذرانده بودم و برای همین، ژانر ماورایی برایم جذاب بود. در عین حال برخی روایت‌ها و موارد را شنیده بودم و دوست داشتم به این دنیای ناشناخته که برایم تازگی داشت، ورود کنم. برای همین، کار را پذیرفتم و استقبال کردم. در ابتدا اطلاعاتم در این حوزه کم بود و همان‌طور که گفتم اطلاعاتم را از لابه‌لای کار به دست می‌آورم. وقتی کار را پذیرفتم، روی کتاب‌های مختلف متمرکز شدم.

به این اشاره کردید که نظر آقای ده‌نمکی بر تولید کاری شبیه به سیاحت غرب بود. این مثال شما را نترساند که کار در ژانر وحشت باشد؟

نه برای من ژانر وحشت مهم نبود. مساله این بود که در دو سه سال اخیر در زندگی شخصی خودم با برخی موارد روبه‌رو شده بودم که این حوزه را برایم جذاب کرده بود. به‌نوعی می‌توان گفت بخشی از قصه حافظ رستگاری که حالا می‌بینید، براساس زندگی خودم نوشته شده. مثلا ماجرای گم شدن سند خانه برایم اتفاق افتاد که هنوز درگیر پرونده آن هستم.

یعنی خودتان با این مسائل روبه‌رو شده بودید؟

بله. مسأله مربوط به یکی از نزدیکان من بود که بعد از فوت، نزدیکان و وراث آن فرد، کاری کردند که من درگیر این پرونده شدم. البته اشتباه خودم بود که اعتماد کردم و حتی در دیالوگ‌های حافظ رستگاری هم این را نوشته‌ام.
یک چیزی هم که در عالم قصه‌پردازی برایم مهم بود، جدا شدن از کلیشه‌های رایج بود. تلاش کردم به شکل کلیشه‌ای مسأله حق‌الناس را مطرح نکنم، کما این‌که چند سال قبل در سریال پایتخت ۴ به صورت کلی به مسأله آسیب به زمین با حفر چاه‌های غیرمجاز پرداخته بودیم. در سریال رستگاری هم تلاش کردم مسأله حق‌الناس را با مسأله حفر چاه غیرمجاز نشان دهم؛ یعنی فقط این را نگوییم که یک چاه بوده و تمام شده، بلکه مردمی که باید از این چاه بهره می‌بردند، از آن محروم می‌شوند و بر همین اساس، حتما حق‌الناس است.

> **بخش دیگر رستگاری هم، ماجرای سبک شمردن حقوق اجتماعی و انسانی ماست. درست مثل مسأله اختلاس. در واقع وقتی به یک نفر بدهکار باشیم، انگار به یک ملت بدهکار هستیم**

بخش دیگر رستگاری هم، ماجرای سبک شمردن حقوق اجتماعی و انسانی ماست. درست مثل مسأله اختلاس. در واقع وقتی به یک نفر بدهکار باشیم، انگار به یک ملت بدهکار هستیم.

دقیقا مثال پایتخت نمونه پرداختن به یک مسأله مهم یعنی آب، با زبان غیرکلیشه‌ای و دیالوگ‌های طنز بود. در رستگاری هم این را چقدر در نظر داشتید که از شعار خارج شود و تأثیرگذار باشد؟

من فیلمنامه‌ای نوشتم و تحویل آقای ده‌نمکی دادم. برخی موارد را که ایشان احساس می‌کرد به درام کمک می‌کند در متن تغییر می‌داد. نگاه ایشان به‌نظرم محترم است اما باید این را بگویم که در پایتخت با ژانر کمدی طرف بودیم که توانستیم مسأله آب را به‌صورت کمدی و عمیق بیان کنیم اما در رستگاری، با یک ژانر عمومی‌تر مواجه هستیم. به همین دلیل به‌نظرم قابل مقایسه نیست.
شخصیت حافظ رستگاری در جایی می‌گوید من چاه زدم که آب بیاورم و نان به مردم بدهم. اینجا از نظر ما شاید درست باشد اما از نظر شرعی و عرفی درست نیست. اینجا تلاش کردیم چند لایه برنامه را همزمان جلو ببریم. به‌طور کلی این ژانر تازه و به‌نوعی خط‌شکن محسوب می‌شود. به‌نظرم آقای ده‌نمکی در این سریال ژانرهای کلیشه‌ای را شکسته و کنار زده است. این‌که آقای ده‌نمکی توانسته وارد این ژانر شود، ژانر مغفول مانده را پررنگ کند و دست‌کم، ویترین تلویزیون را رنگارنگ کند، قابل تحسین و قدردانی است.

الان که خروجی کار را می‌بینید به نظرتان رستگاری در حین ماورایی بودن، قدری به ژانر وحشت نزدیک نشده است؟

نه اصلا. من فیلمنامه را بیشتر با محوریت تلنگر نوشته‌ام. سریال رستگاری برای من نگاه این آیه است که «فَمَن یعمَل مِثقَالَ ذَرَّةٍ خَیرا یرَهُ». یعنی وقتی وارد آیات و روایت می‌شویم قطعا با ترس مواجه می‌شویم اما جنس این ترس، ژانر وحشت یا از نوع فیلم دراکولا نیست؛ از این جنس است که ای انسان به خودت بیا و ببین چه عقوبتی در انتظار توست. وقتی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که حتی یک غیبت کوچک هم محاسبه می‌شود. در ادامه ماجرا هم می‌بینیم که چه حق‌الناس‌های تازه‌ای اتفاق می‌افتد. من تلاش کردم این را نشان دهم.

با توجه به این ملاحظاتی که خودتان در نظر داشتید، فکر می‌کنید این ژانر چقدر برای مخاطب جذاب است؟

اگر درست ساخته شود و مؤلفه‌های آن رعایت شود، برای مخاطب بسیار جذاب خواهد بود. به نظرم رستگاری یک اتفاق نادر بود که در تلویزیون رقم خورد. بحث من بر سر خط‌شکنی این کار است. در واقع این سریال راه را برای آزمون‌وخطاهای بعدی باز می‌کند. پله اول بسیار مهم است؛ کمااین‌که بعد از پایتخت هم، از آن دست مجموعه‌ها بیشتر تولید شد. من این بخش از کارهای این‌چنینی را تحسین می‌کنم که حالا توسط مسعود ده‌نمکی در سریال رستگاری، راه را برای تولید آثار بیشتر در این ژانر و بهبود آن باز کرده است. اگر آقای ده‌نمکی پیشنهاد این اثر را به من نداده بود، احتمالا کار دیگری انجام داده بودم.

> **به نظرم رستگاری یک اتفاق نادر بود که در تلویزیون رقم خورد. بحث من بر سر خط‌شکنی این کار است. در واقع این سریال راه را برای آزمون‌وخطاهای بعدی باز می‌کند**

نکته‌ای که در مورد سریال رستگاری وجود دارد، همزمان شدن آن با برنامه‌ای مثل زندگی پس از زندگی است که یک کل واحد را به مخاطب ارائه می‌دهد. این برنامه را نگاه کرده‌اید؟ یا اصلا تماشای آن به شما برای نگارش رستگاری کمک کرد؟

بله من این برنامه را دیده‌ام و علاوه بر آن، تجربه‌های خارج از کشور را هم مطالعه کرده‌ام. من به‌عنوان نویسنده و برای ورود به این حوزه، نیاز به مستندانی دارم که تجربه عام یا در واقع درک مشترک عمومی باشد. برای همین برنامه‌های مختلف این‌چنینی را می‌بینم، سیاحت غرب را خواندم و خاطرات این‌چنینی را ورق زده‌ام. چون بسیاری از مردم در اطرافیان‌شان این تجربه را دیده یا شنیده‌اند.

به‌طور کلی نگارش یک کار ماورائی منطبق با مسائل شرعی کار دشواری است. قطعا برای رسیدن به یک فیلمنامه واحد و مستدل، مطالعات بسیاری داشته‌اید. بیشترین بخشی که روی آن متمرکز شدید، چه بود؟

بخشی از این تحقیق مرتبط با مسائل شرعی و آیات و روایات بود. این را هم بگویم که یکی، دو ماه بعد از اتمام آزادی مشروط، من فیلمنامه رستگاری را تمام کردم. برای همین مشغله آقای ده‌نمکی در آن زمان زیاد بود. با این حال ایشان برخی تحقیقات خودشان درباره آیات و روایات را برای من ارسال می‌کردند.

یکی از نقاط قوت رستگاری، شخصیت‌پردازی حافظ رستگاری در قامت مردی متشرع است. الان که در قامت یک مخاطب این سریال را می‌بینید، چقدر به نظرتان چیزی که برای آقای رستگاری در نظر داشتید، خوب از کار درآمده است؟

من قبل از طراحی قصه، جاذبه شخصیت برایم مهم است. به این فکر می‌کنم که آیا می‌تواند بار درام را بر دوش بکشد یا کم می‌آورد؟ طراحی شخصیت و مسیرش تا انتها برای من بسیار اهمیت دارد. من در طراحی شخصیت حافظ، آدمی می‌دیدم که احساس می‌کرد همه‌چیز تمام است و تصورش این بود که وقتی بمیرد و به دنیای دیگر برود، فرش قرمز برایش پهن می‌کنند. یک خیر و کارآفرین که به دنبال لقمه حلال است اما آنقدر دچار فرعونیت می‌شود که متوجه می‌شود وضعیت بدتری دارد.

کار با آقای ده نمکی را چطور دیدید؟

هر انسانی در مسیر ما، تجربه‌ای تازه است. آقای ده‌نمکی تجربیات و دیدگاه‌هایی دارد که تلاش می‌کردم با آن دیدگاه‌ها منعطف عمل کنم. همه کارگردان‌هایی که تاکنون با آنها کار کرده‌ام در مسیر کار چیزهایی به من یاد دادند و باعث رشد و تعالی‌ام شدند. آقای ده نمکی باعث شد وارد ژانر مورد علاقه و ناشناخته خودم شوم. پیش از این، وقتی وارد پروژه بچه مهندس شدم، برخی نگران بودند که من کارنامه کارهای کمدی دارم و ممکن است نتوانم از پس یک کار ملودرام برآیم. الان هم چالش ورود به یک حیطه ناشناخته برای خودم جذاب بوده که اقای ده‌نمکی دست مرا هم برای قصه پردازی باز گذاشت.

اشاره کردید فردی تجربه‌گرا و دنبال چالش هستید. بعد از رستگاری، سراغ ژانر تازه‌ای می‌روید یا دوباره کاری در همین ژانر می‌نویسید؟

این ژانر برای من ناشناخته‌های بسیاری دارد. نحوه تصویر چنین ژانری دستم آمده و فهمیدم چطور بنویسم که کارگردان مجاب به تولید شود. به‌نوعی احساس می‌کنم ظرفیت اتفاقات دیگر در این ژانر وجود دارد. تجربه نشان داده من هر کار تازه را در چند فصل جلو می‌برم و ادامه می‌دهم.

انگار دست‌تان به یک فصل نمی‌رود...!

باید هت تریک کنم. (می‌خندد)

برای خواندن متن کامل گفت‌وگو کیوآرکد را اسکن کنید

همگامی فیلمنامه با جلوه‌های ویژه

از نقاط برجسته سریال رستگاری، جلوه‌های ویژه است. از وارسته می‌پرسیم چقدر دست‌تان باز بود تا در طراحی و نگارش فیلمنامه، این جلوه‌ها را لحاظ کنید. او پاسخ می‌دهد: وقتی آقای ده‌نمکی از کار آزادی مشروط فارغ شد به دفتر مسئول جلوه‌های ویژه رستگاری می‌رفتیم تا برخی نمونه‌ها را به ما نشان دهد و بگوید در چه حوزه‌ای می‌تواند کار را اجرا کند. با این کار متوجه می‌شدیم تا چه حدی باید جلو برویم. خاطرم هست که همانجا ایده‌هایی را مطرح کردیم و نوشتیم و به آقای امامی تحویل دادیم. بعد اصلاح می‌شد که مثلا فلان قسمت براساس امکانات تصویری تغییر کند. برخی سکانس‌ها را هم با جلسات این‌چنینی و اجماع، نهایی می‌کردیم تا نوشته و تکمیل شود.

مکث

صدف تهرانی | گروه رسانه

نگاهی به ویژه‌برنامه افطار شبکه ۲

روزه‌داران در پناه امام رئوف

با شروع ماه مبارک رمضان، شبکه دو در لحظات زیبا، دلنشین و عرفانی افطار با برنامه «پناه» از مهمانان خدا پذیرایی می‌کند. برنامه‌ای با اجرای مصطفی امامی که از بارگاه ملکوتی امام رضا(ع) در مشهد مقدس روی آنتن می‌رود و هر روز توفیق زیارت را نصیب روزه‌دارانی می‌کند که دل‌شان در گرو امام هشتم شیعیان است. در این برنامه امامی میزبان افرادی است که عاشقانه در راه خدا گام برداشته و هر کدام به‌نوعی با پروردگار خود معامله کرده‌اند.
این برنامه هر شب با حضور مهمانانی ویژه همراه با سوژه‌ای از جنس مهربانی و روایت‌هایی شنیدنی از بازخوانی قصه مهمانان امام رضا(ع) همراه مخاطبان است و دل‌های آنان را راهی بارگاه ملکوتی این امام رئوف می‌کند. هدیه مهربانی و نجوا به همراه شگفتانه‌هایی برای مهمانان از دیگر آیتم‌های این برنامه است و پویشی هم دارد که در آن زیارت‌اولی‌ها به مشهد مشرف می‌شوند. این برنامه از ابتدای پخش شگفتانه‌هایی برای مخاطبانش داشت. از جمله حضور بنیامین بهادری، خواننده موسیقی پاپ در برنامه که بعد از مدت‌ها غیبت از محافل رسمی رسانه‌ای در برنامه تلویزیونی «پناه» حضور پیدا کرد و ضمن گفت‌وگو با مجری برنامه همزمان با لحظات ملکوتی اذان مغرب، به‌صورت زنده اذان گفت. حضور این خواننده در ویژه‌برنامه افطار شبکه دو به اندازه کافی مخاطب را غافلگیر کرد اما در ادامه اذان‌گفتن او نیز یکی از اتفاقات ویژه این برنامه در روزهای ابتدایی ماه رمضان بود. این اتفاق در حالی رخ داد که بنیامین بهادری در گفت‌وگویش با مجری عنوان کرد: امشب من به اینجا آمدم تا از طرف پدرم کاری کنم. او خودش همیشه اذان‌های خوبی می‌گفت و من از او شنیده بودم که آرزو داشت تا در حرم امام رضا(ع) که من هیچ‌وقت با این تشریفات به اینجا نیامدم، اذان بگوید. من هم امروز از طرف پدر درگذشته‌ام با این نیت آمدم و امیدوارم اتفاق بیفتد که این اتفاق افتاد و او روی آنتن زنده اذان گفت. آن هم در جوار بارگاه ملکوتی امام هشتم شیعیان و در زمان افطار.
نکته بعدی تیتراژ این برنامه است که با صدای محمد علیزاده پخش می‌شود و صدای او همواره یادآور افطارهای ماه رمضان سال‌های گذشته و خاطرات شیرینی است که هر کدام از ما با مجموعه‌ها و برنامه‌ها داشته‌ایم. از این رو یکی از برنامه‌های موفق و پربیننده افطار تلویزیون به «پناه» اختصاص دارد که با حضور مهمانانی از جنس دلدادگان امام رضا(ع) فضای عرفانی خاصی را به برنامه می‌دهند. از طرفی مجری نیز سعی می‌کند هم فضای عرفانی برنامه را حفظ کند و هم با شوخی و مزاح در کمال ادب و احترام، نگاه مخاطبان بیشتری را به برنامه معطوف سازد.

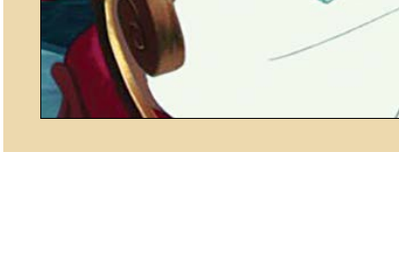

دوبله منانی با لهجه اصفهانی

اکبر منانی، دوبلور پیشکسوت و با اصالت اصفهانی که از او آثاری چون پوآرو و زبل‌خان را به یاد داریم با حضور در برنامه هموطنز به اجرای دوبله با لهجه اصفهانی پرداخت و لحظات شیرینی ایجاد کرد. منانی کار حرفه‌ای دوبله را از سال ۱۳۴۰، گویندگی در رادیو را از سال ۱۳۳۲ و مدیریت دوبلاژ را از سال ۱۳۴۳ خورشیدی شروع کرد. او در فیلم‌ها، مجموعه‌ها و انیمیشن‌های بسیاری حرف زده است؛ مجموعه‌هایی مثل پوآرو به جای هرکول پوآرو، پرستاران به جای فرانک، بهترین سال‌های زندگی ما به جای فردریک مارچ، زبل‌خان به جای زبل‌خان، ماجراهای گالیور به جای گلام با تکیه کلام من می‌دونم و.... او سال‌ها گوینده تیپ‌های فلفلی و آقای خوشبین در برنامه صبح جمعه با شما بوده است. وی نخستین منبع مدون تاریخ دوبله ایران را با نام «سرگذشت دوبله ایران و صداهای ماندگارش» نوشته است. این اثر که نگارش آن ۱۷ سال به طول انجامید به چگونگی، چرایی و زمان ورود دوبله به ایران می‌پردازد.

کیوآرکد را اسکن کنید

تماشای جشن فطر از شبکه امید

شبکه‌های مختلف رسانه‌ملی در ایام عید فطر که همزمان با روزهای پایانی هفته شده، برنامه‌های شاد و متنوعی را تدارک دیده‌اند و همچنین فیلم‌های سینمایی ویژه‌ای را که برخی جزو آثار خاطره‌انگیز هستند و تعدادی هم جزو آثار جدید محسوب می‌شوند، راهی آنتن می‌کنند. در این میان شبکه امید به‌عنوان شبکه‌ای برای مخاطبان نوجوان نیز تدارکات خاصی دیده است. ویژه‌برنامه عید فطر شبکه امید با نام «جشن بزرگ ایران سرود» با اجرای بابک افرا و علی مرادخانی، روی آنتن شبکه امید می‌رود. این برنامه با حضور هنرمندان عرصه موسیقی، میزبان گروه‌های سرود نوجوان از سراسر کشور است. جشن بزرگ ایران سرود به تهیه‌کنندگی کمیل سوهانی، کارگردانی سیدابوالفضل موسوی‌نظر و سردبیری کیاوش زارع‌طلب و قائم زینلی روزهای ۲۱ و ۲۲ فروردین از ساعت ۱۹ الی ۲۱ از شبکه امید سیما پخش می‌شود.
بابک افرا از مجریان این برنامه خواننده‌ای است که بیشتر با آوازهای خوش‌ریتم، شاد و با محتوای مثبت شناخته می‌شود. او همچنین در سریال آزادی مشروط به کارگردانی مسعود ده‌نمکی نیز ایفای نقش کرده و خوانده بود.

سیندرلا

مریم فلاح: در خانه ویلایی قشنگ، مردی که همسرش را از دست داده بود با تنها دخترش «سیندرلا» زندگی می‌کرد. او پدر مهربانی بود و چون فکر می‌کرد دخترش به مراقبت مادری دلسوز احتیاج دارد با زنی که دو دختر داشت، ازدواج کرد اما گردش روزگار سرنوشت دیگری را برای سیندرلا رقم زد. با مرگ آن پدر مهربان، خصلت واقعی نامادری نمایان شد. او زنی بداخلاق و خشن شد و بدتر این‌که به زیبایی خدادادی سیندرلا حسادت می‌کرد و همیشه به فکر دخترهای حسود و از خودراضی‌اش بود. به مرور زمان اندوخته‌های پدر سیندرلا با ولخرجی‌های نامادری تمام شد و سیندرلا باید در خانه خودش به نامادری و دخترهایش خدمت می‌کرد. تنها دوستان سیندرلا موش‌هایی بودند که در دیوارهای خانه زندگی می‌کردند یا پرندگانی که سیندرلا به آنها غذا می‌داد و در برابر «لوسیفر»، گربه شرور نامادری از آنها محافظت می‌کرد. روزی پادشاه سرزمین برای پیدا کردن همسری مناسب برای پسرش و با دعوت همه دختران شهر به قصرش فصل تازه‌ای در زندگی سیندرلا باز می‌کند.

کیوآرکد را اسکن کنید